



فرمایشات حضرت آقای مجذوب‌علیشاه
« رفتار زوجین ؛ تقدم زمانی احکام
شریعت و تقدم معنوی آداب طریقت »
مجلس صبح شنبه ، دهم دیماه سال ۱۳۹۰



خبری، تحلیلی، فرهنگی / سال اول - دی ۹۰



حقوق مسلمانان اهل تسنن و اقلیتهای دینی
از دیدگاه آیت الله منتظری



تفہیم اتهام و کلا
و مدیران سایت مجذوبان نور

نگهداری نصرالله لاله مدیر انتشارات
حقیقت در بند ۲۰۹ اوین

بازداشت یک درویش گنابادی دیگر در
کوار

حمله و یورش نیروهای امنیتی به منزل یک
درویش گنابادی

سرکوب دراویش به بهانه مبارزه با عرفان‌های
کاذب

وضعیت وخیم جسمی قاسم شعله سعدی در زندان اوین

۸۵ درصد مردم ایران به اینترنت دسترسی ندارند

بیت



باعث قتل من و یتیم شدن اطفالم نگردی. آنگاه مقداری پول به وی مرحمت فرمود. مع ذلک وی وقتی به بغداد رفت، در حق حضرت کاظم (ع) نزد هارون طوری سعایت کرد که هارون در همان سال او را دستگیر کرد و مغولاً به بصره نزد والی آنجا فرستاد و محبوسش کرد.

آن حضرت سالها در زندانهای مختلف بصره و بغداد سپری کردند در این مدت بارها هارون دستور قتل ایشان را صادر کرده اما افراد به دلیل تاثیر معنوی ایشان و مشاهده عبادات فراوان از اقدام به این عمل امتناع می کردند و هارون هم ایشان را به زندان دیگری منتقل می کردند. سرانجام هارون ایشان را تسلیم سندی بن شاهک نمود. سندی ملعون حضرتش را در زندانی تنگ و تاریک محبوس کرد بالاخره به امر هارون حضرتش را مسموم و شهید نمود. هارون امر کرد جنازه مبارکش را از زندان خارج و در منظر عام گذاشتند و صورت مبارکش را باز نموده و به مردم گفتند: بیائید مشاهده کنید که موسی بن جعفر به اجل خود از دنیا رفته و کسی به وی آزاری نرسانده، و مردم را گواه بر مرگ طبیعی آن حضرت می گرفتند ولی بینندگان از قیافه و ظاهر جسد می فهمیدند که حضرت را مسموم کرده اند، اما کسی جرأت اظهار نداشت. آنگاه جنازه مطهرش را به جسر بغداد آورده و گذاشتند تا جمعی از شیعیان جمع شده بدن مبارکش را با تجلیل و احترام زیاد و تشییع مفصل و مجلل دفن نمودند.

در بیست و پنج رجب سال یکصد و هشتاد و سه بود که طایر روح پاکشان نه فقط از زندان هارون بلکه از قفس دنیا به سوی محبوب پر کشید. آری براستی برای اولیا الهی که پیوسته در مقام حضور مقیمند، گذر زندگی در کاخ باشد و یا زندان، تفاوتی نیست. اما چیزی که باقی می ماند و هرگز نمی گذرد، لکه ننگ بر دامان و عرق شرم بر جبین شیعیان است که حتی بهانه های خفکان زمان و قلت تعداد هم از آن نمی گاهد که باز هم مولای خود در اسارت دیدند و خاموش ماندند و دعوی عشق خود را فراموش کردند.

در این دو هفته، تکرار روزهای تاریخ به نقطه پر رنگ میلاد امام هفتم شیعیان حضرت موسی کاظم (ع) رسید و به آن نورانی گشت. تولد ذات خجسته صفات ایشان در هفت صفر سال یکصد و بیست و هشت بود.

جانشینی ایشان توسط پدر بزرگوارشان، حضرت صادق، داستان شگفت و جالبی دارد. حضرت صادق (ع) به علت وضع زمان به صورت علنی و آشکار وصی و جانشین خود را تعیین نکردند بلکه ایشان را تنها به اصحاب خاص و دو فرزند دیگرشان به عنوان امام انام بعد از خود معرفی کردند ولی در وصیت ظاهری و علنی خود پنج نفر را به عنوان وصی خود نام بردند که یکی از آنها منصور خلیفه بود! حکمت این امر این بود که منصور پس از شهادت حضرت صادق (ع) نامه ای به والی مدینه می نویسد که تحقیق کند که اگر حضرت جعفر بن محمد کسی را بعد از خود وصی قرار داده آن شخص را احضار کرده گردنش را بزند که نام منصور خود در وصیت ایشان قرار داشت و باعث شد به واسطه این وصیت ظاهری جان حضرت کاظم محفوظ ماند.

حضرت موسی بن جعفر (ع)، با اینکه دخالت در هیچگونه امری نمی فرمود و به کاری جز هدایت انام اقدام نمی نمود، مع ذلک معاندین وی از سعایت از او نزد هارون کوتاهی نداشتند، حتی برادرزاده ایشان علی بن اسماعیل بن جعفرالصادق، برای سعایت از آن حضرت قصد سفر به بغداد کرد. حضرت کاظم وقتی قصد مسافرت وی را شنید، احضارش فرمود و گفت: برادرزاده قصد کجا داری؟ عرض کرد: به بغداد می روم. فرمود: چه منظوری از مسافرت بغداد داری؟ عرض کرد: قروض زیادی دارم و زندگیم به سختی می گذرد، فرمود: من قروض تو را می دهم و در امر معیشت کمکت می کنم. و مقداری پند و اندرزش داد و از سفر بغداد نهی فرمود. بالاخره صحبتها و فرمایشات حضرت اثری نکرد و وی گفت ناچارم به بغداد بروم. فرمود: اگر می روی متوجه باش و خدا را در نظر بگیر که دخیل خون من و

خبرنامه خبری، تحلیلی، فرهنگی مجذوبان نور
در زمینه حقوق بشر، علوم انسانی و علوم اجتماعی
سال اول / شماره پنجم / دی ماه ۱۳۹۰

فرمایشات

• فرمایشات حضرت آقای مجذوب علیشاه
« رفتار زوجین؛ تقدم زمانی احکام شریعت و تقدم معنوی آداب طریقت »

اخبار درویش

• تفهیم اتهام و کلا و مدیران سایت مجذوبان نور
• نگهداری نصرالله لاله مدیر انتشارات حقیقت در بند ۲۰۹ اوین
• بازداشت یک درویش گنابادی دیگر در کوار
• حمله و یورش نیروهای امنیتی به منزل یک درویش گنابادی

مقاله

• حقوق مسلمانان اهل تسنن و اقلیتهای دینی
از دیدگاه آیت الله منتظری

حقوق بشر

• سرکوب درویش به بهانه مبارزه با عرفان های کاذب
• وضعیت وخیم جسمی قاسم شعله سعدی در زندان اوین

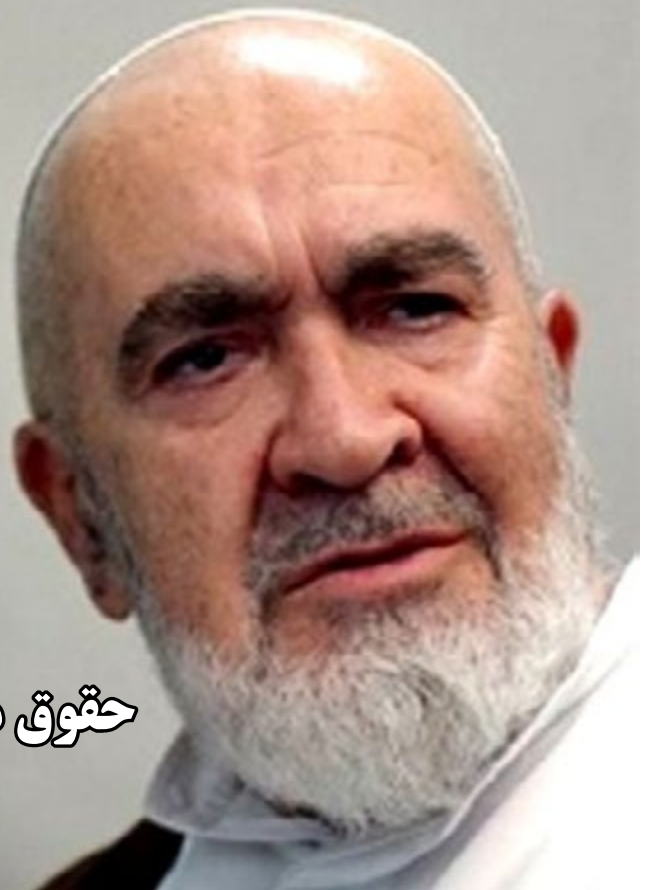
اخبار

• ۸۵ درصد مردم ایران به اینترنت دسترسی ندارند

با وجود گذشت پیش از چهارماه از آغاز دور تازه ی فشار بر درویش طریقت نعمت الهی گنابادی، هنوز بازداشت و آزار و اذیت ایشان ادامه دارد، در روزهای گذشته شاهد حمله به منزل یک درویش گنابادی و بروز توحشی بی سابقه از سوی ماموران امنیتی و لباس شخصی در خانه ی وی بودیم، به نحوی که در نهایت منجر به انتقال همسر این درویش گنابادی به بیمارستان شد.

در طول سالیان گذشته این چنین برخوردها از سوی نیروهای امنیتی با جامعه درویش گنابادی کم نبوده بلکه به شکلی مستمر و مداوم ادامه داشته است، تخریب و پلمپ حسینیه ها و مجالس درویش گنابادی و تشکیل پرونده های قضایی با اتهاماتی واهی و بی اساس برای بیش از ۱۰۰۰ تن از پیروان این سلسله و برخورد با وکلای درویش و ابطال پروانه وکالت و زندانی کردن ایشان در طی این سالها نشان دهنده ی عدم رعایت قوانین رایج مملکت و نقض حقوق مسلم درویش گنابادی است.

با توجه به چنین وضعیتی آگاه بودن به حقوق قانونی خود از الزامات زندگی در دوره ی حاضر است، در بخشی از شماره پنجم خبرنامه مجذوبان نور به بررسی دلایل لزوم آگاهی از قوانین و حقوق شهروندی پرداخته خواهد شد



حقوق مسلمانان اهل تسنن و اقلیتهای دینی از دیدگاه آیت الله منتظری

گردآوری: زهرا ربانی املشی

کلام خود آن‌ها را متعلقه و منزل خطاب می‌کنند. در چنین حال و هوایی فقیهی نواندیش، از حق افراد دم زده و بر حقوق از دست رفته‌شان فریاد بر می‌آورد و با هزینه‌های گزافی از آن‌ها دفاع می‌کند؛ که از آن جمله می‌توان دفاع ایشان از حقوق مخالفین، زندانیان، اقلیت‌های مذهبی، مسلمانان اهل تسنن، و... را نام برد. در این نوشتار به خلاصه‌ای از نوشته‌های ایشان در دفاع از سه گروه که در سالیان اخیر الب مورد ظلم مضاعف واقع شده‌اند، اشاره می‌شود:

الف: دفاع از حقوق اقلیت‌های مذهبی

• حکومت مردمی مورد نظر ما تنها به معنای حاکمیت مطلق اکثریت بر اقلیت نیست، بلکه باید به گونه‌ای باشد که اکثریت در عین حال حقوق اقلیت را در نظر بگیرد و حقوق آنان را پایمال نکند، حتی باید زمینه رشد را به گونه‌ای برای آنان فراهم کند تا در صورت داشتن قابلیت خود را به اکثریت مبدل نمایند، و اگر به این صورت نباشد نمی‌توان نام آن را «حکومت مردمی» یا «دموکراسی» دانست، بلکه استبداد اکثریت بر اقلیت است. به نظر من در نظام حکومتی اسلام این مسأله کاملاً رعایت شده است و اقلیت‌های دینی و سیاسی حق فعالیت دارند و کسی نمی‌تواند آنان را از حقوق خودشان منع نماید، البته آنان نیز تا جایی می‌توانند آزادانه فعالیت کنند که به حقوق اکثریت لطمه وارد نشود. در واقع هم اقلیت و هم اکثریت باید حقوق یکدیگر را رعایت نمایند. (دیدگاه‌ها ج ۱ صفحه ۲۵۵)

• آزادی بیان و فعالیت احزاب سیاسی و مطبوعات باید تضمین گردد، و به حقوق اقلیت‌های سیاسی و مذهبی توجه شود، به جای تنش زایی در سیاست داخلی و خارجی، منافع ملی در نظر گرفته شود، و اداره کشور به دور از احساسات و بر اساس تعقل و تدبیر و مشورت با متخصصین مربوطه

در این نوشتار به خلاصه‌ای از آراء آن مرحوم در دفاع از حقوق اقلیت‌های مذهبی و دینی اشاره می‌شود

باسمه تعالی

در دین مبین اسلام، هر حقی مستلزم تکلیفی است، لذا اگر ملت در هر صنفی که باشند، بر حکومت حقی دارند، حکومت هم در برابر ملت تکالیفی بر عهده دارد. بعضی از حقوق ملت مثل حق تعیین سرنوشت، داشتن زندگی سالم، آزادی بیان و امنیت فردی و اجتماعی از حقوق ذاتی او محسوب شده و انسان به اعتبار انسان بودنش از این حقوق برخوردار است و هیچکس حق ندارد در هیچ شرایطی آن‌ها را سلب کند.

با وجود چنین دین مترقی، متأسفانه عده‌ای بعضی احکام را مستمسک گرفته و در تلاشند که از دین اسلام چهره‌ای خشن ارائه دهند، آیت‌الله العظمی منتظری در جواب این عده می‌فرماید:

«ما باید اسلام را به گونه‌ای تبیین کنیم که هیچ چیزی نتواند به آن خدشه وارد کند. به عنوان مثال در اسلام اقلیت‌ها قابل احترام و آزادند. حدود اسلامی نباید در کشورهای غیراسلامی اجرا شود چون موجب زدگی می‌شود، حتی داخل کشور خودمان نیز اگر -فرضاً- اجرای برخی احکام موجب خواهد شد مردم به اصل دین بدبین شوند نباید اجرا شوند. اینجا ملاک اهم بر مهم مقدم می‌شود، و برای حفظ اسلام که اهم است حکم مهم اجرا نخواهد شد.» (ج ۲ دیدگاه‌ها - صفحه ۲۴۱)

دینی که در آن حق و حقوق همه افشار و حتی اقلیت‌ها و نیز مخالفین معلوم و مشخص است آنقدر از طرف برخی از عالمان دینی مورد کم‌لطفی قرار گرفته که گویی اسلام حقوقی را برای کسی قائل نیست، تا جایی که برخی علما زنان را که نیمی از جمعیت بشرند و در قرآن کریم هیچ تفاوت ارزشی بین آن‌ها قائل نیست، به مانند کالایی دانسته و حتی در

انجام شود. (دیدگاهها ج ۱ صفحه ۲۶۷)

- محور اسلام اقامه قسط و عدل و احقاق حقوق همه طبقات حتی اقلیت‌های مذهبی است و از هر گونه تجاوز به حقوق یکدیگر نهی کرده است و با آزادی‌های عقلانی و سیاسی مخالف نیست، برخی متصدیان امور خودشان را مجسمه اسلام واقعی پنداشته و تحمل شنیدن سخنان دیگران را ندارند و شکست خودشان را شکست اسلام می‌پندارند و برخی سرکوب‌ها و بازداشت‌ها برای حفظ موقعیت خودشان می‌باشد نه برای حفظ اسلام. (دیدگاهها ج ۱ صفحه ۳۸۵)
- البته ما مخالف قوم یهود نیستیم، آن‌ها ملتزم به یکی از ادیان آسمانی و صاحب کتاب می‌باشند. (دیدگاهها ج ۲ صفحه ۲۴۷)
- اقلیت‌های دینی در کشور ما هم دارای احترام هستند و همچون گذشته یهودی‌ها و مسیحی‌ها و زرتشتی‌ها با مسلمانان زندگی می‌کنند. همان گونه که به یهود نباید ظلم شود ظلم‌هایی که به فلسطینیان شده و می‌شود نیز باید جبران شود. (دیدگاهها ج ۲ صفحه ۲۸۳)
- مردم صاحب کشورند و حق دارند هر کسی را که قبول دارند و مطابق افکار خویش می‌دانند انتخاب کنند. همان گونه که اقلیت‌های دینی حق انتخاب دارند سایر طبقات جامعه نیز حق انتخاب دارند، و آقایان و دیگران قیّم و وکیل مردم نیستند تا برای آن‌ها تصمیم‌گیری کرده و افرادی را که مطابق جناح خودشان هستند دارای صلاحیت بدانند و دیگران را رد کنند. (دیدگاهها ج ۲ صفحه ۳۰۴)
- معنای اسلام این نیست که اقلیت‌های دینی یا آنهایی که مسلمان نیستند از حقوق محروم باشند، آن‌ها هم حقوقشان را دارند، چنان که نماینده هم در مجلس دارند. (دیدگاهها ج ۲ صفحه ۳۰۹)
- اسلام به همه شئون زندگی نظر دارد، ولی همه حقوق هم محترم است. باید اقلیت‌ها را هم احترام گذاشت. پیغمبر اکرم (ص) ظلم به اهل ذمه که می‌شد عصبانی می‌شدند. امیرالمؤمنین (ع) برای اینکه از پای یک زن ذمی خلخال کشیده بودند فرمودند: اگر مرد مسلمان از روی تأسف بمیرد مورد ملامت نیست. (دیدگاهها ج ۲ صفحه ۳۱۱)
- اقلیت‌های دینی و کسانی که به دین خاصی معتقد نیستند نیز از نظر انسانیت و شهروندی دارای حقوقی می‌باشند که لازم است رعایت شود، و در قرآن کریم می‌خوانیم: (لا اکراه فی الدین). (دیدگاهها ج ۲ صفحه ۳۸۹)
- در گذشته که کشورها و حاکمیت‌ها به شکل کنونی دارای قانون اساسی نبوده‌اند، حاکمیت‌ها با اقلیت‌های دینی هر کشوری قرارداد خاصی مبنی بر تأمین حقوق آنان با شرایطی منعقد می‌نمودند و طرفین ملتزم به رعایت آن می‌شدند، اما در شرایط کنونی که کشورها دارای قانون اساسی می‌باشند و حقوق همه افراد در قانون اساسی هر کشوری معین و مشخص شده است، رأی دادن اقلیت‌ها به قانون اساسی که در حکم میثاق ملی می‌باشد حکم همان قرارداد ذمه را دارد، و قهرا اقلیت‌های مذهبی نیز همان حقوق شهروندی را دارا می‌باشند. بنابراین حق اقلیت‌های مذهبی که در کشور اسلامی و در پناه حاکمیت اسلام زندگی می‌کنند این است که حکومت اسلامی هر آنچه را خداوند از آنان قبول کرده است قبول نماید، و آنچه را بر انجام آن متعهد شده‌اند از آنان مطالبه کند، قرآن کریم می‌فرماید: (ولیحکم اهل الانجیل بما أنزل الله فیه...) «و باید نصارا براساس آنچه خداوند در انجیل فرورفستاده حکم و قضاوت کنند.» و هر مسلمانی باید همچون هم کیشان خود با آنان رفتار نماید و به پیمان‌های خود با آنان وفا نماید و آنان را مورد ستم قرار ندهد. (رساله حقوق صفحه ۱۲۱)

- پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «آگاه باشید هر کس به معاهدی (یعنی یکی از اقلیت‌های دینی که در ذمه اسلام نیست ولی با مسلمانان پیمان داد و ستد منعقد نموده است) ظلم نمود، یا نقص و ضرری به او وارد کرد، یا بیش از طاقتش به او کاری محول نمود، و یا بدون رضایتش چیزی را از او گرفت، همانا من در روز قیامت با او مخاصمه خواهم کرد.» همچنین آنان حق دارند در کشور اسلامی با آزادی به آیین خود عمل نمایند، مشروط بر اینکه به میثاق خود با حاکمیت اسلامی عمل نموده و تظاهر به خوردن مشروبات الکلی و گوشت خوک و سایر محرّمات نکنند که منافی حقوق مسلمانان است. (رساله حقوق صفحه ۱۲۲)
- احزاب غیر دینی و اقلیت‌های مذهبی نیز در محدوده بیان نظریات و عقاید خود آزاد هستند، آن‌ها نیز می‌توانند به شکل منطقی و معمول از حاکمیت دینی انتقاد نمایند و مصالح و مفاسد را خاطر نشان سازند. بلکه می‌توانند در چارچوب میثاق مورد پذیرش اکثریت، در امر حاکمیت نیز مشارکت داشته باشند. البته هیچ حزبی اعم از دینی و غیردینی حق توهین به مقدسات اکثریت و یا افترا و یا مانند آن را ندارند. همان گونه که نظام منبعث از آرای اکثریت نیز چنین حقی را نسبت به اقلیت سیاسی یا مذهبی ندارد. (حکومت دینی و حقوق اسلامی صفحه ۱۵۳)
- اقلیت‌های دینی شناخته نشده که زادگاه آن‌ها و پدران و مادران آن‌ها در کشور اسلامی بوده است، حق آب و گل و نیز حق شهروندی دارند و اصولاً منعی از بیان مکتب و مرام خود ندارند، در زمان پیامبر اکرم (ص) و حضرت امیر (ع) نیز مراکز دینی سایر ادیان و فرقه‌ها تحت شرایط و قیودی وجود داشته و منعی از طرف حاکمیت اسلامی وجود نداشته است. (حکومت دینی و حقوق اسلامی صفحه)
- در مواردی که حاکمیت دینی نسبت به اقلیت‌های دینی و غیر دینی و نیز سیاسی سوء ظن داشته باشد و کارهای آن‌ها در معرض اتهام یکی از جرایم کیفری قرار گیرد، باید یا در محاکم بی‌طرف و مرضی‌الطرفین محاکمه شوند و یا حداقل هیأت منصفه بی‌طرفی که مرضی‌الطرفین باشند در محاکمه حضور داشته باشند و نظر آن‌ها مورد توجه محاکم قرار گیرد، زیرا در هر حال محاکم رسمی حاکمیت دینی یک طرف دعوا هستند و طبعاً نمی‌توانند عادلانه و بی‌طرفانه قضاوت کنند. (حکومت دینی و حقوق اسلامی صفحه ۱۵۴)
- یکی از دشوارترین کارها در مناسبات اجتماعی رعایت حقوق اقلیت‌های قومی، مذهبی و سیاسی است. آموزه‌های دینی به صراحت بر لزوم حفظ حقوق اقلیت‌ها تأکید می‌ورزد و هر گونه بی‌توجهی به آن را موجب وهن و نشان عدم پای‌بندی به دستورات شرع و وظایف انسانی می‌شمارد. (اسلام دین فطرت صفحه ۶۳۲)
- در باب حفظ حقوق اقلیت‌های دینی، آثار مکتوب پیامبر گرامی اسلام (ص) در قراردادهای ایشان با مسیحیان و یهودیان بهترین گواه است، و رفتار مسلمانان با آن‌ها در اکثر زمان‌ها رفتار انسانی بوده که بیانگر اهتمام اسلام به حقوق اهل کتاب است. در قرارداد پیامبر اکرم (ص) با مسیحیان نجران آمده است: «لا یغیر ما کانوا علیه و لا یغیر حق من حقوقهم و امثلتهم». «پیامبر هیچ تغییری در زندگی آنان ایجاد نکند و هیچ حقی از حقوقشان را دگرگون نسازد و سنن و آداب ایشان را تغییر ندهد...»
- همچنین در عهدنامه پیامبر اسلام (ص) با یهود مدینه آمده است: «یهودیان بنی عوف، امتی هستند در کنار مسلمانان، یهودیان دین خود را دارند و مسلمانان دین خویش را، هر یک دوستان و خویشان خود را خواهند داشت، مگر اینکه کسی ستم روا دارد و گناه کند.» اما در باب

ج: دفاع از حقوق دراویش:

• اسلام دین رحمت است و در آن حقوق همه مردم حتی اقلیت‌های دینی و اهل ذمه محترم است چه رسد به حقوق مسلمانان و شیعیان. (دیدگاه‌ها ج ۳ - صفحه ۴۶)

• در واکنش به تخریب حسینیه و ضرب و شتم دراویش: متأسفانه پس از گذشت ۲۷ سال از استقرار جمهوری اسلامی هنوز اعمال مخالف شرع و قانون از ناحیه متصدیان امور کشور انجام می‌شود، و با راه انداختن عده‌ای به نام مردم و ملت فجایع تندی اتفاق می‌افتد که با هیچ منطقی قابل توجیه نیست، و طبعاً این گونه اعمال موجب تضعیف نهادهای قانونی جمهوری اسلامی می‌گردد. و نسبت دادن این قبیل اعمال به مردم از مسؤولین مربوطه رفع مسؤولیت نمی‌کند. و با کمال تأسف همه این فجایع به نام اسلام و مذهب و روحانیت انجام می‌شود و قهراً نسل جوان را به اسلام و روحانیت بدبین می‌نمایند. (دیدگاه‌ها ج ۳ - صفحه ۴۶)

• تخریب منزل شخصی افراد و حسینیه و ضرب و شتم بندگان خدا به ویژه خواهران هیچ توجیه شرعی ندارد و باطل دانستن برخی افکار و نظریات آنان مجوز هتک و ضرب آنان و تخریب و تصرف غاصبانه در اموال آنان نمی‌باشد. اگر این کارها به دستور بالاترها انجام شده که وامصیبتا، و اگر خودسرانه انجام گرفته‌وا أسفا. سوء استفاده از قدرت و ابزار قدرت موجب سخط الهی می‌باشد. (دیدگاه‌ها ج ۳ - صفحه ۴۷)

• اینجانب ضمن محکوم نمودن اعمال انجام شده از مسؤولین محترم شهر مقدس قم مصرا نه می‌خواهم که نسبت به ظلم‌هایی که در این روزها انجام شد تجدیدنظر جدی نمایند، و بدانند که اعتراف به اشتباه و جبران آن شایسته هر مسلمان معتقد به خدا و قیامت می‌باشد، و اصرار بر اشتباه در شأن جمهوری اسلامی نیست. (دیدگاه‌ها ج ۳ - صفحه ۴۷)

به امید آنکه اسلام توسط اسلام‌شناسان و علما آن گونه که هست به دنیا معرفی شود و آن زمان همگان خواهند فهمید که حقوق بشری جهانی که امروزه مطرح است بیش از چهارده قرن پیش از طرف خدای حکیم خبیر، توسط پیامبر وحی، بر بندگان نازل شده؛ قوانینی که بر فطرت بشری استوار است ولی همیشه توسط حاکمان جائر از عمل به آن جلوگیری شده است.

اقلیت‌های سیاسی که در بین خود مسلمانان و با گرایش‌های سیاسی متفاوت پدید می‌آید به دلیل روشن بودن موضوع و یکسانی در حقوق، بحث کمتری در میان علمای دین صورت گرفته است، ولی به طور قطع و از باب رعایت حق مسلمان و مؤمن باید حقوق اقلیت‌های سیاسی و مذهبی مسلمان را رعایت کرد. روایاتی از معصومین (ع) وارد شده است که رعایت حقوق مخالفان سیاسی را ضروری می‌شمارد و سیره معصومین (ع) نیز این معنا را تأکید می‌کند.

اگر بفرض در منطقه‌ای اکثریت مردم متعهد و ملتزم به اسلام باشند و در بین آنان اقلیت‌های غیرمسلمانی وجود داشته باشند بی‌تردید باید حکومت بر اساس موازین اسلام با حفظ حقوق اقلیت‌ها تشکیل گردد، و حفظ حقوق آنان نیز خود از مقررات و موازین اسلام به شمار می‌آید، چنانچه بر اهلس پوشیده نیست. (مبانی حکومتی جلد ۲ صفحه ۲۵)

ب: دفاع از حقوق مسلمانان اهل تسنن

• هر دو گروه مسلمانند (شیعه و سنی) و برحسب کثرت مشترکات می‌توانند با هم تفاهم نمایند. (دیدگاه‌ها جلد ۲ صفحه ۳۸۹)

• حقوق اجتماعی مسلمانان اهل سنت نیز همانند شیعیان است، یعنی اگر صلاحیت‌های لازم را دارا باشند از دیدگاه اسلام شایستگی تصدی مناصب و مشاغل مختلف را دارا می‌باشند، مگر اینکه در قراردادی که مورد توافق باشد (همچون قانون اساسی) پیش‌بینی دیگری شده باشد، و جنبه اکثریت ملت را در نظر گرفته باشند. (دیدگاه‌ها ج ۱ - صفحه ۴۷۹)

• بنا به یک سنت دیرینه، علمای دین بویژه در حوزه‌های شیعه با دخالت حکومت در امور حوزه‌ها مخالف بوده‌اند ولی متأسفانه مرکزی به نام مرکز بزرگ اسلامی در کردستان با دخالت‌های خود در عزل و نصب ائمه جمعه و جماعات و مدرسین مدارس دینی موجب بی‌تفاوتی و رکود فعالیت‌های دینی در منطقه شده که در نتیجه شیوع افکار ضد دینی را در پی داشته و سبب بدبینی به نظام و تفرقه بین مسلمین می‌گردد و شائبه تضعیف مذهب اهل سنت توسط حکومت را در اذهان ایجاد کرده است. با این وصف آیا اگر یک روحانی اهل سنت در رأس چنین مراکزی قرار گیرد به نفع اسلام و مسلمین نیست، و یا سرپرستی مدارس مذهبی اهل سنت توسط روحانیت شیعه موجب بدبینی فریقین نمی‌گردد؟. (دیدگاه‌ها ج ۱ - صفحه ۴۷۹)

• اگر شخص دارای امانت و تقوا و توانایی باشد هیچ منع قانونی و شرعی در کار نیست بلکه با لحاظ فراز (من انفسهم) در آیه شریفه: (لقد مَنَّ الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم) بجاست کسی که از ناحیه دولت مرکزی برای پستی در منطقه سنی نشین منصوب می‌گردد از خود آنان باشد تا با زبان و فرهنگ آنان آشنا و به نیازهای آنان کاملاً واقف باشد. (دیدگاه‌ها جلد ۲ صفحه ۱۲۶)

• داشتن مسجد حق همه مسلمانان است، منتها از قدیم این موضوع در ذهن این‌جانب خلجان داشت که با وجود افراد نادان و تند و تیز قابل تحریک، ممکن است آنان هر روز مخفیانه دست به نوشتن شعارهایی علیه خلفا در مسجد مذکور بزنند و مسجد به کانون نزاع و اختلاف تبدیل گردد. برای این موضوع باید فکری کرد. (دیدگاه‌ها جلد ۲ صفحه ۱۲۶)

• دخالت حاکمیت در امور حوزه‌ها و مساجد اهل سنت کار درستی نیست، امور اعتقادی و صنفی اهل سنت و اداره حوزه‌های آنان باید به خود آنان محول گردد و حکومت جنبه مشاورت و حمایت داشته باشد. (دیدگاه‌ها جلد ۲ صفحه ۱۲۷)



فرمایشات حضرت آقای مجذوب‌علیشاه

« رفتار زوجین ؛ تقدم زمانی احکام شریعت و تقدم معنوی آداب طریقت »

مجلس صبح شنبه ، دهم دیماه سال ۱۳۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن در مورد رفتار زن و شوهر با یکدیگر آیاتی دارد ، این است که من بارها توصیه کردم و هنوز هم توصیه میکنم که قرآن را هر روز بخوانید معنایش را هم بدانید ، بعد دفعات دیگر همان عربی را که خواندید آن معنا در ذهنتان روشن میشود اول این را بگوییم ، خدا میفرماید : به مؤمنین بگو چشم هایشان را پایین بیندازند یعنی زل زل نگاه نکنند و به زنها نیز بگو اینگونه باشند . بعد در مورد زن ها میفرماید ، آن زینتهایی که آن وقتها مرسوم بود ، نمایان نکنند «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» (سوره نور، آیه ۳۱) چون الان مرسوم هم نیست ، لغات آن یادم رفته است ، نمیدانم . حالا که آن زینت ها نیست ، چرا قرآن گفته است؟! قرآن خواسته است وقتی که اینها را میگوید ما کمی فکر کنیم ببینیم ، هدفش چه بوده است . البته العیاذ بالله ما نمی توانیم بگوییم هدف خداوند این است ، خداوند هر چه خودش بخواهد میکند ، لازم نیست به ما بگوید . این بیشتر برای این است که زندگی ها آرام باشد ، فرض کنید اگر کسی کار اداری میکند در همان حالی که کار میکند یک ساعت با صدای بلند ، تیک تیک ! ، هر ثانیه یکبار صدای تیک ناراحت کنندهای بدهد حواس او پرت میشود به راحتی به کارش نمیتواند برسد . یعنی هر گونه تحریک بیجا اعصاب بد است . اگر کسی مرتباً اسید معده ترشح کند بیمار میشود ، برای اینکه آن اسیدی است که معده را سوراخ میکند ولی در موقع خودش باید ترشح شود ، یعنی باید اشتها ایجاد شود و بعد غذا بخورد ، همهی تمایلاتی که خداوند آفریده است همینطور است . هر کدام باید به موقع ایجاد شود و در غیر موقع ایجاد نشود .

یکی از کارهایی که خداوند انجام داده است و ما می بینیم این است که نسل حیوانات وجانداران را از دو جفت آفریده است . آنهایی که متخصص هستند و در زیست شناسی مطالعاتی دارند می گویند آن حیوانات اولیه تکثیرشان از خودشان بود ، البته به صورت جوک گفته اند : یک بچه ای کرم خاکی را در آورده بود . نصف می کرد ، مادرش گفت چرا اینکار میکنی؟! گفت آخر این تنها بود ، خواستم دو تا شوند با هم بازی کنند . وقتی خندید و جوکش تمام شد ، فکر کنید این حرف راستی گفته است ! برای اینکه کرم خاکی از همین طریق تکثیر می شود ، نر و ماده ندارد . بعد هم همینطور حیوانات بالاتر هر کدام به یک نحو ازدیاد پیدا میکنند تا به انسان میرسد ، در حیوانات پایین تر اختیار تکثیر به خودشان داده نشده است ، جانور شناسی میگوید که یک فصل ، برای حیوانات بنام فصل آفریده است یعنی در یک فصلی است که حیوان برای ازدیاد و تولید نسل آماده است ، حالا البته همه حیوانات اینطور نیستند ، ولی خداوند انسان را طوری آفریده است که آن ایامی که آماده نیستند ، همه را در کودکی جمع کرده است ، بعد از کودکی انسان همیشه آماده است . ولی خداوند در اینجا فرموده است آن کاری را که خودش در مورد همهی حیوانات انجام داده است به بشر گفته است ، تو در مورد خودت ، خودت انجام بده و این قواعد را رعایت کن بنابراین آیاتی که در قرآن در این مورد گفته شده است در واقع دستوراتی

است که خداوند به بشر داده است، که من اینکار را در مورد حیوانات دیگر انجام دادم در مورد خودت، خودت اینکار را انجام بده. در سوره ی نور هست و در سوره نساء نیز غیر از احکام شرعی که ارث و وصیت باشد این مسائل مفصل هست، خودتان بخوانید، یاد بگیرید و اگر اشکالی داشتید پرسید و الا مفصل نمیشود گفت.

البته موردی هست که الان صحبت شد خیلیها نه تنها خودشان خطا میکنند بلکه موجب خطای دیگران هم میشوند، در روانشناسی و روانکاوی خیلی بحث مفصلی دارد که وقت و جایش اینجا نیست. این رفتار را برای زن و مرد فرموده است که نه تنها خودش را حفظ کند و حفظ میکند، بلکه برای این است که دیگران را هم از راه به در نبرد. البته این هم خوب مثل همهی گناهان دیگر خیلیها انجام میدهند. ولی این فکر برای این است که اگر یک شخصی موجب بشود که دیگری غفلت کند و به گناه توجه کند علاوه بر خطا و مجازاتی که خود او دارد، آن شخص هم بسته به اینکه چه اندازه در آن مؤثر باشد، دارد. این بحث خیلی مفصل است که همانطور که گفتم نه وقتش هست و نه جایش اینجاست و خیلی ضروری و لازم است که متأسفانه وقت نداریم. این به عهده دیگران است که درس بدهند که نمیکند.

حضرت صالح علیشاه میفرمودند در یک سفری که یکی از آقایان علمای درجه ی اول آن وقت با ایشان ملاقاتی داشتند، او گفته بود در بین ما (علما)، آدم کامل، سالم و شرعی پیدا نمیشود و خیلی کم است ولی در بین شما درویش ها کم و بیش هستند. همان قدر اقرار کرده بود. بعد به عنوان انتقاد گفته بود درویش های شما به آداب شرع توجه ندارند و به آن بیتوجهی می کنند یا بلد نیستند. حضرت صالح علیشاه می فرمودند که من به او جواب دادم که این تقصیر ما نیست تقصیر شماست، برای اینکه مرحله طریقت بعد از مرحله شریعت است در مرحله ی شریعت شما باید به آنها یاد بدهید که یادشان ندادهاید پیش ما که میآیند ما می گوییم که اینها دیگر همه احکام شرعی را بلد هستند.

حالا تقصیر شماهاست، حالا تقصیر هر کسی باشد کاری نداریم به هر جهت یک همچین مسئله ای هست که آداب شریعت که اصطلاحاً میگویند احکام شریعتی تقدم زمانی دارد و آداب طریقت تقدم معنوی دارد. یعنی از لحاظ زمان رعایت حکم شریعت اول است یعنی اول واجب تر این است که حکم شریعت را اجرا کنیم یعنی نماز را به همان طریقی که شریعت گفته است انجام دهیم وقتی آن را که انجام دادید طریقت میگوید که معنایش را بفهمید. یعنی چه میگویید سبحان ربی العظیم و بحمده؟ خُب اگر شما یک عبارت چینی هم بگویید مثل همین است که عربی گفتید، عربی بلد نیستید. باید معنی آنرا را بفهمید آن فهمیدن معنی درجه ی بعدی است یعنی اول باید به همین صورت نماز بخوانید همین حرفها را بگویید ولی بعد مهم تر این است که معنای آنرا توجه کنید حالا قرآن هم شما بخوانید و در معنایش و آثارش دقت کنید. آیه قرآن است میفرماید خداوند از آنچه که کردید و از آثار آن، حساب میکند، حالا دیگر بحث حاشیه ای است آن موضوع تمام شد.

بعد از واقعه سقیفه بنی ساعده یعنی یک جایی که بعد از رحلت پیغمبر آنجا مینشستند، عمر با ابوبکر بیعت کرد و دیگران هم بیعت کردند بعداً عمر گفت بیعت ابوبکر، مثل کودتایی بود که خداوند مسلمین را تا ابد از شر آن ننگه دارد. حالا هر کاری که ما میکنیم خداوند آثار آن را هم در نظر میگیرد اگر یک کار تازه ای کردید، بدعتی که مضر بود کردید تا آخر آن کسانی که آن کار را کردند شما هم در گناهشان شریک هستید. فکر نادرست یا فکر گناه به کسی تلقین کردن این خودش یک گناهی است اگر موجب شود فکر نادرستی در ذهن یک نفر ایجاد شود خود آن گناه است، گناه شما سبک تر از او است ولی خوب یک گناه است.

«... مَا قَدَّمُوا وَأَثَرَهُمْ...» (سوره یس، آیه ۳۶) میگویند آنهایی که پیش او میروند آنچه که او کرده است و آثار آنچه بعد از آن ایجاد شده هم حساب می شود. همین حرفی که عمر بارها گفت، او آدم باهوشی بود میفهمید چه بلاهایی به جان اسلام خواهد افتاد. حالا این هم باید دقت کنیم که فکر گناه و وسوسه گناه «مَنْ شَرَّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ» (سوره الناس، آیه ۴) که میگوییم در دلهای مردم وسوسه میکند حالا این وَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ اگر دیگری به جان ما بیندازد آن دیگری هم گناه کار است، نه خود آن خناس، آن کسی هم که خناس را فرستاده گرفتار است، مثل آنکه فرض کنید یک میکروب، بیماری به جان دیگری بیندازد هم این ویروس، هم این میکروب گناه کار است، یعنی از نظر ما گناه کار است و الا گناهی ندارد آن هم زندگی خودش را میکند خدا او را آفریده که از خون ما تغذیه کند خوب او هم کار خودش را میکند. منتها از نظر ما او گناهکار است آن کسی هم که این را به جان بشر انداخته او هم گناهکار است.

من چو لب گویم، لب دریا بود
من چو لا گویم، مراد، الا بود



تفهیم اتهام وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور

جلسه رسیدگی به وضعیت حقوقی و تفهیم اتهام وکلای درویش گنابادی و مدیران سایت مجذوبان نور در دادسرای اوین برگزار شد. به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ آقایان امیر اسلامی، امید بهروزی، مصطفی دانشجو، فرشید یداللهی، حمید مرادی، افشین کرپور و رضا انتصاری وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور تفهیم اتهام شدند.



اتهامات وارده بر این درویش گنابادی از این قرار است: توهین به رهبری، تشویش اذهان عمومی، اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، نشر اکاذیب و عضویت در گروهک انحرافی، لازم به ذکر است، حمید مرادی از مدیران سایت مجذوبان نور علاوه بر این اتهامات واهی و بی اساس، متهم به تخریب اموال عمومی نیز شده است.

یادآور می شود که چهار ماه از بازداشت و حبس وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور در زندان اوین می گذرد و در این مدت ایشان شرایطی بسیار پر فشار و سخت را گذرانیده اند، که از میان می توان به بیش از دوماه نگهداری در سلول انفرادی تحت بازجویی و فشار بر این زندانیان اشاره کرد که منجر به وخامت وضعیت جسمی این درویش زندانی از جمله حمید مرادی و امیر اسلامی شد. این درویش زندانی در تاریخ ۲۹ آذر ماه از بند ۲۰۹ زندان اوین به بند ۳۵۰ منتقل شدند.

بازداشت یک درویش گنابادی دیگر در کوار

رضا پیشکار یکی از درویش گنابادی روز گذشته توسط نیروهای امنیتی در کوار بازداشت و به زندان عادل آباد شیراز منتقل شد.

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ نیروهای امنیتی روز گذشته ۱۱ دی ماه با حمله به منزل شخصی رضا پیشکار در کوار علاوه بر تفتیش و بازرسی غیرقانونی و ایجاد رعب و وحشت برای خانواده وی، این درویش گنابادی را بازداشت و به زندان عادل آباد شیراز منتقل کردند.

یادآور می شود رضا پیشکار در تاریخ ۲۶ آبان ماه به همراه یک دوربین دیگر در شهر کوار مورد حمله نیروهای امنیتی و لباس شخصی قرار گرفته بود، در آن حادثه لباس شخصی ها برای بازداشت این دو تن حتی اقدام به تیراندازی به سوی ایشان نیز کردند که در نهایت موفق به دستگیری این دو درویش نشده بودند.

حمله وحشیانه نیروهای امنیتی و لباس شخصی علاوه بر صدمات و تخریب های اشاره شده منجر به وخامت وضعیت جسمی همسر نظام ملکپور و انتقال ایشان به بیمارستان نیز شده است. خانواده وی این درویش گنابادی مقامات امنیتی این شهرستان را مسئول هر گونه آسیب و صدماتی که سلامتی ایشان را تهدید کند، می دانند. لازم به ذکر است حمله مسلحانه نیروهای امنیتی و لباس شخصی به قصد دستگیری نظام ملکپور صورت گرفت که به علت عدم حضور وی در منزل، بازداشت نشد. یادآور می شود، منزل این درویش گنابادی در تاریخ ۱۰ آبان ماه سال جاری نیز مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفته بود.

نگهداری نصرالله لاله مدیر انتشارات حقیقت در بند ۲۰۹ اوین



نصرالله لاله از درویش گنابادی و مدیر انتشارات حقیقت در بند امنیتی زندان اوین در بازداشت می باشد.

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ نصرالله لاله مدیر انتشارات حقیقت که روز سه شنبه ۲۹ آذرماه توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت شده است به بند امنیتی ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده و در سلول انفرادی نگهداری می شود.

لازم به ذکر است وضعیت جسمی این درویش گنابادی با توجه نیاز وی به مراقبت های ویژه پزشکی و فشار بازجویی ها طی دو هفته گذشته در شرایط وخیمی قرار دارد و نگرانی ها از به خطر افتادن سلامتی ایشان در حال افزایش است.

یادآور می شود علاوه بر بازداشت نصرالله لاله در روزهای اخیر، رضا پیشکار دیگر درویش گنابادی نیز در تاریخ ۱۱ دی ماه در شهر کوار بازداشت و به زندان عادل آباد شیراز منتقل شده است.

حمله و یورش نیروهای امنیتی به منزل یک درویش گنابادی

۵ تن از نیروهای امنیتی مسلح به سلاح های گرم به منزل یک درویش گنابادی در کوار حمله کردند و علاوه بر تخریب و تفتیش منزل وی منجر به وخامت حال جسمانی همسر این درویش شدند.

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ عصر امروز ۱۴ دی ماه، ۵ تن از نیروهای امنیتی و لباس شخصی با حمله به منزل نظام ملکپور یکی از درویش گنابادی ساکن کوار علاوه بر تفتیش و بازرسی غیرقانونی منزل وی اقدام به تخریب اموال و وسایل شخصی و ایجاد رعب و وحشت در بین خانواده ایشان کردند.

سرکوب در اویش به بهانه مبارزه با عرفان های کاذب

خانه حقوق بشر ایران

زارا نورانی، مسئول انجمن جهانی پاسداشت حقوق بشر در ایران، شاخه لندن، در گفتگو با خبرنگار خانه حقوق بشر ایران، از آخرین وضعیت در اویش گنابادی می‌گوید.

فرزان فرامرزی: در تابستان سال جاری، فشار بر در اویش گنابادی با درگیری‌هایی پراکنده در شهرستان کوار به اوج خود رسید. در همین زمینه گفتگویی انجام داده‌ایم با زارا نورانی، مسئول انجمن جهانی پاسداشت حقوق بشر در ایران (شاخه لندن)، و از ایشان در مورد آخرین وضعیت در اویش گنابادی در این سوال کردیم. خانم نورانی از وضعیت در اویش در ایران می‌گوید:

خانم نورانی! در ابتدای گفتگو بفرمائید چرا با وجود اینکه، در اویش گنابادی مسلمان هستند، باز هم در حکومت اسلامی ایران، تحت فشارند و حقوقشان نقض می‌شود؟

این مسئله مربوط به مسلمان بودن یا نبودن در اویش و سایر گروه‌های قومی یا عقیدتی نیست. بلکه به ماهیت نظام حاکم برمی‌گردد که یک نظام دیکتاتوری فرقه‌ای می‌باشد که هیچ‌گونه عقیده و باور دیگری را به غیر از خود نمی‌پذیرند و در صدد پاکسازی هر گونه تعریف و طرز تفکر دیگری می‌باشند.

از اواخر تابستان سال جاری موجی از بازداشت‌های گسترده و ضرب و شتم در اویش در شهرستان کوار و شهرهای تهران و شیراز آغاز و فشار بر در اویش ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. ماجرای کوار از کجا شروع شد؟ برخی از وبسایت‌های مدافع حقوق در اویش مدعی هستند که نیروهای حکومتی به سوی در اویش شلیک کرده‌اند و از آن طرف وبسایت‌های حامی دولت نظیر رجانیوز مدعی است که این در اویش گنابادی بوده‌اند که به سوی مردم شلیک کرده‌اند؛ می‌شود در این مورد توضیح بدهید؟

ماجرای حمله به کوار ادامه حمله‌های سلسله‌واری است که بعد از سال ۱۳۸۴ بصورت سیستماتیک و طراحی شده به صورت ظاهر زیر نظر و با مسئولیت «جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» به ریاست آخوند محمدیزدی، و درحقیقت به دستور رهبر نظام، همزمان با روی کار آمدن دولت نهم به صورت گسترده‌ای آغاز گشت.

برای مثال آخوندی بنام «آخوند مدنی» در خراسان، که با روی کار آمدن نظام به اصطلاح اسلامی این آخوند قدرت زیادی در گناباد و بیدخت پیدا کرده بود، به سرکوب در اویش روی آورد و کتاب‌هایی علیه آن‌ها نوشت. به تازگی هم در مصاحبه با سایت «جوان آنلاین» اعلام کرد که «در اویش مانند موش خانگی هستند که باید آن‌ها را با سم مهلک از میان برداشت». این درست همان حرفی است که هیتلر در مورد یهودیان زد.



چند ماه قبل از حمله به کوار، طلبه - بسیجی‌هایی را به ایستگاه‌های مترو به عنوان مبارزه با عرفان‌های کاذب روانه کردند که پشت می‌زی می‌نشستند و زیر عنوان مبارزه نرم علیه عرفان‌های کاذب و نوظهور، علیه تصوف و درویشی سمپاشی می‌کردند. در همین اثنا، یکی از همین طلبه - بسیجی‌ها با نام شهبازی به کوار فرستاده شد و با استفاده از عناصر بسیجی پایگاه‌های بسیج شهرستان‌های استان فارس، شروع به تبلیغ و جوسازی کرد، و آن‌ها علیه تصوف به فحاشی و توهین پرداخته و به خانه و مغازه در اویش هجوم بردند و حتی به شعار نویسی بر روی دیوارهای شهر با عنوان «مرگ بر درویش‌های آمریکایی» اقدام کردند و عکس‌های بزرگان آن‌ها را شکسته و سعی در آتش زدن خانه و مغازه‌های آن‌ها کردند.

در اویش شهرستان‌های دیگر استان فارس برای کمک به در اویش کوار خود عازم این شهرستان شدند که متأسفانه در ورودی شهر کوار از آن‌ها با گلوله سلاح‌های جنگی مثل کلت و کلاشینکف استقبال شد.

شش نفر از در اویش به ضرب گلوله از پا افتادند که در این میان یک جوان به نام وحید بنانی سروستانی پس از سه روز در اثر شدت خونریزی شهید شد. ماموران اداره اطلاعات پیکر این شهید را به خانواده‌اش نمی‌دادند و با ایجاد فشار روانی می‌خواستند از پدر و مادر او گواهی بگیرند که پسرشان بسیجی بوده و درویش نبوده!!! حتی در سردخانه سیب‌های او را تراشیده بودند تا ادعا کنند که درویش نبوده.

بعد از آن اداره اطلاعات و دستگاه‌های پروپاگاندای نظام با درست کردن یک ویدئوی فزیتبار خواستند نعل وارونه بزنند و بگویند که در اویش به بسیجی‌هایی که سرگرم ارشاد آن‌ها بوده‌اند حمله کرده‌اند و دست به کشتار زده‌اند. بعد هم در اویش را دسته دسته به اداره اطلاعات احضار کرده و به زندان عادل آباد شیراز و اوین تهران.

همانطور که خودتان نیز اشاره کردید، جمهوری اسلامی در اویش گنابادی را «درویش آمریکایی» می‌خواند و ادعا می‌کند که در اویش قصد مخدوش کردن چهره ایران و اسلام را دارند، آیا شما واقعا چنین هدفی دارید؟ بنظر شما هدف از ایراد چنین اتهاماتی چیست؟

در جواب این سوال دوباره برمی‌گردیم به ماهیت این نظام فرقه‌ای که هرکجا طرز تفکری متفاوت از خود یا فریادی که صدای مردم مظلوم و ستمدیده ایران را به گوش جهانیان و نهادهای حقوق بشری می‌رساند را می‌بینند برچسب جاسوس، آمریکایی، صهیونیست یا... را برای آن‌ها

تخریب اموال عمومی نیز شده است. یادآور می‌شود که چهار ماه از بازداشت و حبس وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور در زندان اوین می‌گذرد و در این مدت ایشان شرایطی بسیار پر فشار و سخت را گذرانیده‌اند، که از میان می‌توان به بیش از دوماه نگهداری در سلول انفرادی تحت بازجویی و فشار بر این زندانیان اشاره کرد که منجر به وخامت وضعیت جسمی این درویش زندانی از جمله حمید مرادی و امیر اسلامی شد.

این درویش زندانی در تاریخ ۲۹ آذر ماه از بند ۲۰۹ زندان اوین به بند ۳۵۰ منتقل شدند. همچنین در هفته گذشته آقای نصر الله لاله مدیر انتشارات حقیقت نیز بازداشت و به منزل شخصی ایشان حمله و وسائل شخصی ایشان را ضبط کرده و تا به امروز هیچ اطلاعی از ایشان در دست نمی‌باشد.

در آخر، پیشنهاد شما برای مبارزه با نقض روزافزون و گسترده‌ی حقوق بشر در ایران چیست؟

«انجمن جهانی پاسداشت حقوق بشر در ایران» که من نیز یکی از اعضای آن هستم تلاش می‌کند تا با جمع کردن دقیق‌ترین اخبار از وضعیت خطیر هموطنانمان در شرایط نقض مستمر حقوق بشر، گزارش‌های مداوم تهیه کرده و در اختیار شخصیت‌هایی مانند آقای دکتر احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل در امر حقوق بشر و سازمان‌های مدافع حقوق بشر مانند سازمان عفو بین الملل برای بیدار کردن افکار بین المللی بگذارد و اجازه ندهد که سرکوب هموطنان ما در فضای اختناق و ارباب و سانسور و بی‌خبری پیش برود. بیداری افکار عمومی بزرگ‌ترین آسیب علیه نظام‌های بیدادگر و ضدحقوق بشر است.

بکار می‌برند. در این نظام همان طور که می‌دانید این یک امری عادی می‌باشد مثلاً علاوه بر برچسب آمریکایی می‌بینیم که در سایت‌های وابسته به سپاه مانند جوان آنلاین، فارس نیوز و سایر سایت‌های وابسته به نظام و یا وبلاگ «خرقه پشمینه» که زیر نظر «عبدالحسین خسروپناه» همان نگارنده کتاب «درکوی صوفیان» اداره می‌شود به درویش برچسب‌های واهی مانند ارتباط با منافقین!! و ارتباط با استکبار جهانی!! می‌زنند، که از اصل کذب محض است... ولی چون درویش تعریفی مملو از عشق و مدارا و صلح از اسلام ارائه می‌دهند همین امر بسیجی‌ها و عناصر حزب پادگانی را به نقاب و دشمنی با درویش می‌کشاند. به این دلیل که تفسیر آن‌ها از اسلام جنگ و خون و تجاوز است، درحالی که درویش تفسیر و برداشتشان از قرآن رحمت و شفقت با خلق خدا و مراعات حرمت حقوق شهروندان هموطن ایرانی از هر قوم و آئینی است.

در حال حاضر چه تعداد از درویش گنابادی در زندان هستند و به چه اتهامی؟ با توجه به اینکه تعدادی از وکلای این درویش نیز بازداشت شده‌اند، شما چه راهکاری برای دفاع از حقوق این درویش در نظر دارید؟

در جواب به این سوال به توجه شما را به آخرین خبری که امروز در این مورد منتشر شد جلب می‌کنم. آقایان امیر اسلام، امید بهروزی، مصطفی دانشجو، فرشید یداللهی، حمید مرادی، افشین کرمپور و رضا انتصاری وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور تفهیم اتهام شدند. اتهامات وارده بر این درویش گنابادی از این قرار است: توهین به رهبری، تشویش اذهان عمومی، اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، نشر اکاذیب، و عضویت در گروهک انحرافی، لازم به ذکر است، حمید مرادی از مدیران سایت مجذوبان نور علاوه بر این اتهامات واهی و بی‌اساس، متهم به

وضعیت وخیم جسمی قاسم شعله سعدی در زندان اوین

جرس: "قاسم شعله سعدی"، استاد حقوق بین الملل دانشکده حقوق دانشگاه تهران که در زندان اوین محبوس است، به علت عدم رسیدگی پزشکی در شرایط وخیم جسمی به سر می‌برد.

بنا به اطلاع گزارشگران هرنانا، قاسم شعله سعدی استاد دانشگاه تهران که از فروردین ماه سال جاری در حال گذراندن دوره محکومیت خود در بند ۳۵۰ اوین است به دلیل عدم رسیدگی پزشکی در زندان و عدم انجام عمل جراحی لازم در ناحیه گردن و نخاع، در آستانه‌ی "فلج" از ناحیه‌ی کمر به پایین قرار دارد.

وی که مبتلا به دیسک شدید گردن است و پیش از بازداشت قصد عزیمت به پاریس برای عمل جراحی را داشته، به دلیل امتناع جعفری دولت آبادی، دادستان تهران از صدور دستور اعزام بدون پایند و دستبند و امکان استراحت لازم در بیمارستان یا منزل پس از عمل جراحی و نیز انجام عمل توسط پزشک معتمد خود؛ از اعزام به بیمارستان تعیین شده توسط دادستانی تهران اجتناب کرده و در حال حاضر با از کار افتادن دست چپ و بروز سایر علائم فلج، وضعیت جسمی وخیم و نگران کننده‌ای دارد.

گفتنی است که این فعال سیاسی پیش‌تر به اتهام "توهین به رهبری نظام جمهوری اسلامی" از طریق انتشار نامه معروفش در سال ۸۱ و نیز "تبلیغ علیه نظام" از سوی دادگاه انقلاب محکوم شد.

را ارائه نمی‌داد. این آمار آن قدر بزرگ بود که با واقعیت‌های بازار اینترنت ایران نیز هم‌خوانی نداشت.

یک مثال بسیار ساده می‌زنم. مثلاً "سایت فیلترینگ" پربیننده‌ترین سایت کشور ایران است. خوشبختانه به‌طور تقریبی آمار بازدید از سایت فیلترینگ در ایران وجود دارد.

این آمار تقریباً به آمار بازدیدکنندگان صفحه‌ی گوگل در اسرائیل یا در دانمارک نزدیک است. برای این که درستی این رقم را بیشتر توضیح بدهم، دانمارک حدود پنج و نیم میلیون نفر جمعیت دارد و ضریب نفوذ اینترنت در این کشور خیلی بالا است. حدود ۸ / ۴ میلیون نفر از شهروندان دانمارک از اینترنت استفاده می‌کنند و گوگل هم نخستین سایت پربیننده در این کشور است.

پربیننده‌ترین صفحه ایران، کشوری با جمعیتی بالای هفتاد و چهار میلیون نفر، به اندازه‌ی صفحه‌ی گوگل کشور دانمارک با جمعیتی پنج و نیم میلیون نفر، بازدیدکننده دارد. ممکن است بگوییم که ضریب نفوذ اینترنت در دانمارک بسیار بالاتر است و جزو پیشرفته‌ترین کشورهای دنیاست.

می‌توانیم این آمار را با اسرائیل مقایسه کنیم. اسرائیل جمعیتی حدود ۶ / ۷ میلیون نفر جمعیت دارد و ضریب نفوذ اینترنت در این کشور کم‌تر از چهار میلیون نفر است و به‌خاطر این که اساساً الفبا و رسم‌الخط عبری متفاوت است، بسیاری از کاربران اسرائیل از گوگل عبری استفاده می‌کنند. این جا هم دوباره پربیننده‌ترین صفحه ایران یعنی صفحه‌ی فیلترینگ، به اندازه سایت گوگل در اسرائیل بیننده دارد.

ما راجع به جمعیتی حدود چهار، پنج میلیون نفر کاربر فعال اینترنت در ایران صحبت می‌کنیم. درستی این رقم را با روش‌های دیگر نیز می‌توان نشان داد. مثلاً میزان پوششی که فیس‌بوک در کشورهای مختلف دارد. البته آن وقت استدلال خواهند کرد که فیس‌بوک در ایران فیلتر است و بسیاری از مردم ایران به فیس‌بوک مراجعه نمی‌کنند. منتها در میان طبقه‌ای که روزانه به اینترنت مراجعه می‌کنند، کم‌تر کسی در ایران وجود دارد که اکانت فیس‌بوک نداشته باشد.

آیا آماری در میزان حضور ایرانیان از فیس بوک وجود دارد؟

آمار کاربران ایرانی فیس‌بوک وجود ندارد و خود کمپانی فیس‌بوک هم این آمار را ارائه نمی‌دهد. ولی از روی فعالیت ایرانیان در فیس‌بوک، به‌صورت تقریبی می‌توان گفت که این جا هم جمعیتی چند میلیونی، زیر پنج میلیون وجود دارد.

این آمار را می‌توان از روی روی‌دادهای همه‌گیری که در اینترنت اتفاق می‌افتد نیز نشان داد. مثلاً رویدادی مانند داستان خلبان شهزادی و باز نشدن چرخ‌های هواپیما، نوعی رفتارهای همه‌گیر هستند. شما از طریق دوستان‌تان آن را می‌بینید و بعد اکثر افراد چنین روی‌دادهایی را لایک می‌کنند، چون بار سیاسی و مذهبی ندارد و چیزهایی است که در بین همه جمعیت مشترک است.

از میزان لایک‌های چنین رویدادی هم می‌توان به‌صورت تقریبی گفت که ما درباره چیزی حدود چهار تا پنج میلیون نفر کاربر ایرانی اینترنت صحبت می‌کنیم که این رقم به رقم اعلام شده از طرف مرکز آمار نزدیک‌تر است. فاجعه زمانی شروع می‌شود که نوع اتصال این افراد به اینترنت را بررسی کنیم.

در این آمار اشاره شده که بخش عمده‌ی این ۱۱ میلیون کاربر، حدود ۸۵ درصد کاربران اینترنت داخل ایران به روش قدیمی DIAL UP به



۸۵ درصد مردم ایران به اینترنت دسترسی ندارند

بر اساس آمار مرکز آمار ایران، ۸۵ درصد مردم ایران به اینترنت دسترسی ندارند و تنها ۱۱ میلیون نفر به اینترنت دسترسی دارند. نیما راشدان کارشناس مسائل اینترنت، رقم واقعی کاربران اینترنت را حدود ۴ تا ۵ میلیون نفر می‌داند.

به نقل از سایت مرکز آمار ایران، ۸۵ درصد مردم ایران به اینترنت دسترسی ندارند و ۸۵ درصد کاربران اینترنت نیز به روش قدیمی DIAL UP به شبکه اینترنت متصل شده‌اند.

بنا به این گزارش ماموران آمارگیری با مراجعه به ۵۳۷۲۴ خانوار، در بازه زمانی دی‌ماه ۱۳۸۸ تا دی‌ماه ۱۳۸۹، اعلام کرده‌اند ۹۶.۱ خانوارهای ایرانی دارای تلفن (ثابت یا موبایل یا هر دو) و ۳۵.۲ درصد خانوارهای ایرانی دارای کامپیوتر هستند. بر اساس این آمار، میزان ضریب نفوذ اینترنت در ایران ۱۴.۷ درصد است.

استان تهران بیشترین میزان ضریب نفوذ اینترنت را داشته است و در رده‌های بعدی، استان مازندران و اصفهان قرار دارند. استان سیستان و بلوچستان نیز با ضریب نفوذ اینترنت ۱۰.۵ درصدی کمترین میزان کاربران اینترنت را داشته است.

به گزارش روزنامه دنیای اقتصاد، آمار جدید با آماری که پیش‌تر توسط وزارت ارتباطات و سازمان فناوری اطلاعات درباره میزان ضریب اینترنت در ایران منتشر شده بود کاملاً منافات دارد و این تفاوت به دلیل فرمولی است که مسوولان وزارت ارتباطات برای محاسبه تعداد کاربران اینترنت به کار می‌گرفتند و به این ترتیب میزان کاربران و شاخص‌ها به شکل اعجاب‌انگیزی بالا رفت.

نیما راشدان کارشناس امور اینترنت در گفت‌گو با دویچه وله میزان واقعی کاربران اینترنت در ایران را از رقم ۱۱ میلیون نیز پایین‌تر می‌داند.

دویچه وله: بر اساس آمار جدید مرکز آمار ایران، ایران دارای ۱۱ میلیون کاربر اینترنت است. در حالی که آمارهای قبلی، هم‌چون آمار وزارت ارتباطات ایران درباره میزان ضریب نفوذ اینترنت، رقمی بسیار بالاتر از ۱۱ میلیون کاربر را نشان می‌داد. کدام‌یک از این آمارها به واقعیت نزدیک‌تر است و چرا؟

نیما راشدان: مخابرات ایران هیچ‌وقت توجه نظری پشت آمار ارائه شده

پارانوید و امنیتی سپاه، ورود و خروج داده را ببندند. عملی که حتی صدای آن بخش اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی و صنعتی سپاه را هم درآورده است. آن‌ها می‌گویند، به هر حال اقتصاد ایران در دست ماست و ما از این ناحیه متضرر می‌شویم.

دولت می‌خواهد در عوض این کار، یک شبکه داخلی مدیریت شده‌ای که به هیچ‌جا دسترسی ندارد را درست کند تا کاربران ایرانی بتوانند از محتوای تولید داخل، محتوای مجاز استفاده کنند! کدام محتوا وقتی که شما محتوا تولید نکرده‌اید؟!

فرضا اگر روزی، روزگاری کشوری می‌خواست این کار را بکند، باید از ۱۰-۲۰ سال قبل آن زحمت می‌کشید و محتوای اینترنتی درست می‌کرد. زمانی که شما در هر زمینه‌ای در اینترنت، کاملاً متکی به سخت‌افزارها و ساختار خارج از مرزهای جغرافیایی‌تان هستید، کاربران ایرانی از کدام محتوا در این شبکه‌ی ملی اینترنت ایران استفاده کنند؟

شما هر ساعتی، با هر میزان از دانش، در هر رشته‌ای که کار می‌کنید، دنبال یک قطعه عکس باشید، دنبال یک طرح گرافیکی باشید، دنبال یک نرم‌افزار باشید و... در تمام این زمینه‌ها به منابعی متکی هستید که در سایت‌های خارج از کشور ایران قرار دارد.

حتی بسیاری از کارشناسان خودی و داخل این نظام هم به دولت اخطار می‌دهند اگر این کار را بکنید، اساساً به معنی بستن درهای همین یک‌درصد توسعه‌ای است که آن هم با تلاش و ابتکار مردم و جوان‌های این کشور ایجاد شده است.

شبکه اینترنت متصل شده‌اند.

با توجه به میزان اطلاعاتی که یک کاربر می‌تواند با روش‌های معمولی، حتی در بهترین شرایط، حتی در شرایطی که این مودم‌ها با توان ۵۶ کیلووات کار کنند - که عمدتاً هم کار نمی‌کنند و وضعیت هفته‌ی گذشته در ایران مؤید آن است که حتی یک‌دهم این هم سرعت را هم ندارد - حتی در بهترین حالت می‌توان افق و دورنمای رشد تکنولوژی ارتباطات در ایران را فاجعه‌آمیز خواند.

سخنانی که این‌روزها از سوی مقامات ایران در باره‌ی راه‌اندازی قریب‌الوقوع شبکه‌ی ملی اینترنت مطرح می‌شود، چه تأثیری روی همین میزان کاربران اینترنت در آینده خواهد داشت؟

به قول معروف: «گل بود، به سبزه نیز آراسته شد!». اساساً ما اینترنتی نداشتیم. امکان اتصال به این اینترنت بسیار مشکل بود و بارها و بارها قطع و وصل می‌شد. حالا شما می‌خواهید یک شبکه‌ی داخلی اینترنت درست کنید. این به چه معناست؟! یعنی پهنای باندی که از خارج کشور می‌خرید را به دلایل سیاسی کاهش دهید.

دولت می‌داند که پهنای باند، مبادله، ورود و خروج اطلاعات به خارج از ایران، به معنای زاینده شدن سرمایه و به معنای مبادله فرهنگی و تکنولوژیک است و این به اقتصاد ملی ایران کمک می‌کند. حالا می‌خواهند به دلایل امنیتی-سیاسی، زیر فشار آن بخش غیراقتصادی،

